

## بررسی زبانشناختی کاربرد نشانه‌های احتیاط در سوره‌های مکی و مدنی

دکتر اعظم استاجی<sup>۱</sup>

دکتر سید حسین سیدی<sup>۲</sup>

شادی دوگانی<sup>۳</sup>

### چکیده

نشانه‌های احتیاط (hedges) را می‌توان در هر دو گروه عوامل زبانی و غیرزبانی جستجو کرد. از ساده‌ترین و رایج‌ترین آنها می‌توان به عباراتی همچون: «شاید، این طور به نظر می‌رسد، مطمئن نیستم» و مانند اینها اشاره کرد. هرچند بعضی ساختارها و حتی تغییرات آوایی را در کلام می‌توان در این گروه جای داد. در واقع نشانه‌های احتیاط، همانطور که از نامشان برمی‌آید عباراتی هستند که باعث سلب اطمینان از یک گزاره می‌شوند. این مقاله در صدد است تا این عوامل را در متن قرآن و تفاوت کاربردی آنها را بین سوره‌های مکی و مدنی بررسی کند. در این راستا به بررسی این عوامل در ششصد آیه از قرآن (سیصد آیه مکی و سیصد آیه مدنی) در حد بضاعت این مقاله پرداخته‌ایم. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در سوره‌های مدنی به دلیل بیان احکام اسلامی و جزئیات آنها به طور کلی بیشتر از نشانه‌های احتیاط استفاده شده است و همچنین از میان انواع نشانه‌های احتیاط، ساختار شرطی بیشترین کاربرد را در آیات مدنی دارند. واژگان کلیدی: نشانه‌های احتیاط، قرآن، هایلند.

۱. دانشیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

## مقدمه

مطالعات صورت گرفته در مورد نشانه‌های احتیاط که بیشتر بر روی متون و مقالات علمی صورت گرفته است، نشان می‌دهند که کاربرد نشانه‌های احتیاط در این گونه متون با وجود اینکه باعث کاهش اطمینان و افزایش تردید می‌شوند، اما در مجموع به درجه علمی متن مورد نظر افزوده است و باعث ارتقای آن می‌شود. سؤال اساسی در این پژوهش این است که آیا اصولاً در قرآن به عنوان سخن مکتوب خداوند از این نشانه‌ها استفاده شده است؟ آیا کاربرد نشانه‌های احتیاط در قرآن با کاربرد آنها در متون علمی یکسان بوده است؟ کاربرد چنین نشانه‌هایی در قرآن چه نتایجی را به دنبال داشته است؟ از طرفی بر آن هستیم تا ببینیم آیا تفاوتی در نشانه‌های احتیاط به کار رفته در آیات مکی و مدنی و با توجه به تفاوت‌های موجود میان خصوصیات سوره‌های مکی و مدنی به صورت معنی‌داری وجود دارد؟

## ۱- پیشینه تحقیق

نشانه‌های احتیاط اولین بار توسط لیکاف<sup>۱</sup> با این عبارت به دنیای زبان‌شناسی معرفی شد: «کلماتی که وظیفه‌شان فازی کردن امور می‌باشد.» (لیکاف، ۱۹۱۲م: ص ۱۸۴). میرز<sup>۲</sup> (۱۹۶۵) نشانه‌های احتیاط را در متن، ابزاری برای جلب توجه مخاطبین که باعث تشویق خوانندگان به قبول موضوع می‌شود، معرفی می‌کند. پس از آن هولمز<sup>۳</sup> (۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۹۰) تحقیقاتی بر روی این موضوع انجام داده و نیز میرز (۱۹۹۴) و اسکلتون<sup>۴</sup> (۱۹۸۸ و ۱۹۹۷) با محوریت نشانه‌های احتیاط پژوهشهایی انجام داده اند.

از طرفی مارکانن و شرودر<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) و وارتالا<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) به بحث پیرامون اهمیت تفاوت‌های نشانه‌های احتیاط در مقالات و متون رشته‌های مختلف پرداخته‌اند. هایلند نیز مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام داده است (-Hyland, 1994: p 239-256 & 1996: p447-449 & 1998: p349-382 & 2000: p179-197).

در مورد نشانه‌های احتیاط پژوهشها و تحقیقاتی گسترده بر روی متون علمی در زبان انگلیسی انجام شده است. در زبان فارسی جلیلی‌فر<sup>۷</sup> (۱۳۸۵ش: ش ۴، ص ۲۳ و ۴۷) کاربرد عبارات و نشانه‌های احتیاط را در علوم انسانی و به طور خاص در رشته‌های روان‌شناسی و زبان‌شناسی مورد تفحص قرار داده است. از نظر وی کاربرد این عبارات، نشانه عدم اطمینان از حقیقت گزاره می‌باشد که انگیزه

ای را برای موافقت خوانندگان با نویسنده ایجاد می‌کند و در عین حال از ابراز انتقادهای احتمالی جلوگیری می‌کند.

اما بر روی متون مذهبی به ویژه بر روی متن قرآن هیچ پژوهش زبانشناختی مبنی بر وجود یا عدم وجود نشانه‌های احتیاط و در نهایت چگونگی کارکرد آنها یافت نشده است. بر این اساس لزوم انجام چنین پژوهشی بیشتر احساس می‌شود.

## ۲- نشانه‌های احتیاط

پژوهش حاضر جستاری در رابطه با کارکرد نشانه‌های احتیاط در قرآن است که در چهارچوب مطرح شده توسط هایلند<sup>۷</sup> (Hyland: Ibid) بررسی می‌شود. مهمترین سؤال در این قسمت این است که بدانیم اصولاً نشانه‌های احتیاط چیست و شامل چه چیزهایی می‌شود. برای درک بهتر این موضوع ابتدا به معرفی اصول همکاری در مکالمه می‌پردازیم.

در ارتباطات شفاهی و مکالمات روزمره قوانین نانوشته‌ای وجود دارد که مردم آنها را می‌شناسند و برای ایجاد ارتباط و درک بهتر به صورت ناخودآگاه آنها را رعایت می‌کنند. گرایس<sup>۸</sup> (Grice: 1975: p41-58) در تحقیقاتی که صورت داده است این قوانین را استخراج کرده و به نام اصول مکالمه نامگذاری کرده است. کاربرد اصول مکالمه، برای رسانیدن معنی در حین مکالمه را مفهوم ضمنی مکالمه‌ای (conversational implicature) و همکاری بین گویندگان در استفاده از این اصول را اصل همکاری (co-operative principle) می‌نامند (چگینی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۹)

گرایس (Grice: Ibid)، چهار اصل معروف خود را برای مکالمه چنین معرفی نموده است:

الف- اصل کمیت: به اندازه نیاز اطلاعات بدهید؛

ب- اصل کیفیت: صادقانه صحبت کنید؛

پ- اصل اعتبار: مطالبی را که معتبر (مرتبط با موضوع)، هستند بگویید؛

ث- اصل روش: به روشی مختصر یا واضح سخن بگویید؛

با مراجعه به اصول همکاری (گرایس) در مکالمه به این نکته توجه می‌کنیم:

اصل کیفیت: صادقانه صحبت کنید:

۱- چیزی را که معتقدید نادرست است بیان نکنید.

۲- چیزی را که در مورد آن شواهد کافی ندارید بیان نکنید (Grice: Ibid).

معمولاً این راهکارها به طور ناخودآگاه توسط سخن‌گویان رعایت می‌شود. فرض بر این است که افراد معمولاً اطلاعات کافی در اختیار شنونده می‌گذارند و نیز فرض بر این است که این افراد حقیقت را می‌گویند و از آنجا که این اصول در تعاملهای عادی مفروض هستند، مردم به ندرت آنها را به زبان می‌آورند. اما، گویندگان عبارات ویژه‌ای را به کار می‌برند تا نشان دهند که ممکن است در معرض خطر عدم پیروی کامل از اصول همکاری یاد شده باشند. چنین عباراتی را نشانه‌های احتیاط (عبارات احتیاط‌آمیز) می‌گویند. نشانه‌های احتیاط، همان‌طور که از نشان برمی‌آید عباراتی هستند که باعث سلب اطمینان از یک گزاره می‌شوند. می‌دانیم در هنگام ایجاد ارتباط میان دو فرد، گزاره‌ای مطرح می‌شود که بر اساس اصول همکاری، اصل بر صداقت و فرض بر صحت و درستی گزاره می‌باشد. بنابراین اگر کسی از صحت و درستی گفته‌ی خویش اطمینان ندارد باید به وسیله‌ای این عدم اطمینان را به مخاطب خود برساند. به این ترتیب هرگاه نادرستی گزاره مطرح شده به اثبات برسد، چون این هشدار قبلاً توسط گوینده به مخاطب داده شده است، خدشه‌ای به ارتباط وارد نمی‌شود و ارتباط پایدار باقی می‌ماند. از طرفی اعتماد و اطمینان از شخص گوینده نیز سلب نمی‌شود و وجهه او حفظ می‌شود. بنابراین شاید بتوان این موضوع را جزء کنشهای حافظ وجهه نیز برشمرد. اما این نشانه‌های احتیاط تنها شامل صورتهای مستقیم (همانند قیودی مثل: احتمالاً) نمی‌باشند. در حقیقت گاهی نیز به وسیله ساختارهایی به این مفهوم اشاره می‌شود. به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف) ساختار پرسشی:

این علی بود که رد شد؟

گوینده علی را در حال رد شدن می‌بیند و به مخاطب خود اطلاع می‌دهد ولی با استفاده از ساختار پرسشی عدم اطمینان خود را از اینکه فرد دیده شده علی بوده است یا نه را می‌رساند.

ب) وجه مجهول:

گفته می‌شود که قیمت بنزین از مرز ۷۰۰ تومان خواهد گذشت.

گوینده با به کار بردن وجه مجهول منبع خبری خود را مشخص نکرده است. بنابراین هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال راستی یا ناراستی این گزاره به گردن نگرفته است.

ج) صورت شرطی:

اگر همه چیز خوب پیش برود، پروژه تا پایان امسال به اتمام خواهد رسید.

گوینده به پایان رساندن پروژه را تا پایان سال وابسته به امور نامعلومی کرده است، که یعنی مسئولیتی در قبال به پایان رساندن آن تا موعد ذکر شده ندارد.

(د) ساختار غیر شخصی:

به نظر می‌رسد پایین آمدن قیمت‌ها باید هر چه سریع‌تر صورت پذیرد. واژه تأکید «باید» تحت تاثیر ساختار غیر شخصی «به نظر می‌رسد» قرار گرفته و از نیروی آن کاسته شده است.

در زبان انگلیسی استفاده فراوان از وجوه غیرشخصی در این مورد می‌شود.

It is mentioned.....

از آنچه گفته شد روشن می‌شود عمل به احتیاط در تعاملات نوشتاری و کلامی تنها از طریق صورت‌های واژگانی صورت نمی‌پذیرد بلکه یکی از ابزارهای اصلی آن، انتخاب یکی از ساختارهایی است که در بالا ذکر شد، که باید متناسب با منظور گوینده یا نویسنده باشد. براین اساس معادل «نشانه‌های احتیاط» به «عبارات احتیاط آمیز» ترجیح داده شده است. لزوم این امر با در نظر گرفتن نشانه‌های زبر زنجیری در گفتار اهمیتی بیشتر می‌یابد.

حال باید دید که در متن این اصل چگونه رعایت می‌شود. با خواندن هر متن نیز ارتباطی صورت می‌پذیرد. در ارتباط نوشتاری سه عنصر نویسنده، متن و خواننده در مقام گوینده، کلام و شنونده در مکالمه می‌باشند. به عبارت دیگر نویسنده مطلبی را از طریق متن به خواننده منتقل می‌کند. بر این اساس رعایت نکات گفته شده در مکالمات در متون نیز اجتناب ناپذیر می‌نماید. (توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در تمام این پژوهش منظور از متن، متونی هستند که «نویسنده مخاطب» نباشند. (مثل دل‌نوشته‌ها یا خاطرات شخصی).

در این صورت بهتر است در نگارش، موارد زیر را مد نظر قرار داد:

- موضوع
- نویسنده
- مخاطب

متنی می‌تواند از موفقیت کافی برخوردار باشد که به این سه عامل توجه کافی داشته باشد و به این ترتیب تأثیر مطلوب و مورد نظر نویسنده را بر روی مخاطب بگذارد (Silva&kKie, Matsuda, 2002: p255).

به طور کلی عبارات و نشانه‌های احتیاط از دیدگاه هایلند شامل موارد زیر می‌باشند (Hyland: 1994: p240):

(۱) افعال کمکی وجهی و معین: می‌توان گفت.

فعل وجهی: نشان‌دهنده نگرش گوینده یا نویسنده نسبت به وضعیت یا پدیده‌ای است که فعل دیگر مبین آن است، فعلهای وجهی انواع مختلف وجه یا حالت را نشان می‌دهند. (چگینی ۱۳۸۴ش: ص ۳۴۸)

(۲) اصطلاحات وجهی (اسمی-صفتی-قیدی): شاید، به احتمال زیاد

(۳) عبارتها و ساختارهای شرطی

(۴) ساختار پرسشی

(۵) ساختار مجهول

(۶) عبارتهای غیر شخصی: به نظر می‌رسد

(۷) ارجاعات (آوردن نظریات دیگران با ذکر منبع، ارجاع به متن یا سخنان فرد دیگر)

با توجه به مطالب ذکر شده ملاحظه می‌شود که این سلب اطمینان به دو صورت در مکتوبات به چشم می‌خورد که شامل صورتهای زبانی مستقیم و ساختارهای زبانی به صورت غیر مستقیم می‌شوند. صورتهای زبانی که در این مورد به کار می‌روند بسیار روشن هستند و شامل قیدهایی مثل: شاید، احتمالاً و ... و همچنین عبارتهایی از قبیل: تا آنجا که می‌دانم، این‌طور که من شنیدم، و جز آن می‌شوند. و انواع غیرمستقیم آن ساختارهایی از جمله ساختار پرسشی، ساختار شرطی و وجه مجهول هستند.

بر این اساس موارد فوق در سوره‌های مورد نظر به دقت بررسی شدند. به این منظور آیات را همراه با سه ترجمه: انصاریان، صفوی و مکارم یک به یک مورد مطالعه قرار دادیم و نتایج به دست آمده، برای اطمینان بیشتر با تفسیرهای المیزان، نمونه، نور، منهج الصادقین و مجمع البیان مقایسه شدند. با بررسیهای صورت گرفته، از میان نشانه‌های احتیاط ذکر شده، تنها موارد زیر در آیات مختلف شناسایی شدند:

۱- عبارتهای واژگانی احتیاط ۲- ساختار شرطی ۳- ساختار پرسشی ۴- ساختار مجهول ۵- ساختار مجهول ۶-

ارجاعات

در بخشهای بعدی ابتدا به معرفی هر یک از این نشانه‌های احتیاط در زبان عربی می‌پردازیم.

### ۳- سوره‌های مدنی و مکی

نزول تدریجی قرآن بر پیامبر اسلام (ص) طی بیست و سه سال صورت پذیرفته است، که سیزده سال ابتدایی آن در مکه و بلافاصله پس از بعثت ایشان بوده است و ده سال پایانی پس از هجرت به مدینه و پایه‌گذاری حکومت اسلامی انجام شده است. سوره‌هایی را که در مدینه نازل شده‌اند مدنی و سوره‌هایی را که در مکه نازل شده‌اند، مکی می‌نامند. از آنجا که سوره‌های مکی در آغاز بعثت نازل شده‌اند، بیشتر شامل آیات توحیدی و بیان اصول اولیه دین اسلام می‌باشد و سوره‌های مدنی نیز به دلیل اینکه سیزده سال پس از بعثت و پس از شکل گرفتن عقاید اساسی مسلمانان و در حین بنیان‌گذاری حکومت اسلامی نازل شده‌اند، بیشتر شامل بیان حدود و جزئیات احکام اسلامی شده است.

### ۴- بررسی نشانه‌های احتیاط

برای بررسی نشانه‌های احتیاط در قرآن به جستجوی این موارد در سوره‌های احزاب، طه، جاثیه، نور، مائده، رعد و نحل می‌پردازیم. لازم به توضیح است که گزینش سوره‌ها بر حسب برابری تعداد آیات میان آیات مکی و مدنی صورت می‌گیرد. بر این اساس سیصد آیه مکی و سیصد آیه مدنی در نظر گرفته شدند. با این وصف سوره‌های مکی: طه، جاثیه و نحل که در مجموع سیصد آیه دارند انتخاب شدند. سوره‌های مدنی نیز شامل: احزاب، نور، مائده و رعد می‌باشند که آنها نیز در مجموع سیصد آیه می‌شوند. علاوه بر این واحد بررسی در اکثر مواقع «آیه» می‌باشد، مگر در مواقعی که ترجمه و تفسیر نیز از حد آیه فراتر رفته باشد چرا که اساس این پژوهش بر مبنای ترجمه‌ها و تفاسیر رایج صورت پذیرفته است.

### ۴-۱: عبارات واژگانی احتیاط

گفته شد که نشانه‌های احتیاط به دو نوع ساختار و صورت می‌باشند. واژگانی که در بردارنده احتیاط باشند، در سوره‌های مورد بررسی شامل لَعْلٌ، ظَنٌّ و مشتقات آنها می‌باشند، که ابتدا به واژه لَعْلٌ در زبان عربی اشاره می‌کنیم.

۴-۱-۱: لَعْلٌ

در المعجم الاحصائی ذیل واژه «ل ع ل ل» آمده است: «لَعْلٌ به معنی «شاید و به این امید...» از حروف مشبّهه بالفعل است و برای ایجاد امید و افادۀ ترجی به کار می‌رود». (روحانی، ۱۳۶۸ش: ص ۱۲۸۳)

لَعْلٌ در قرآن

واژه «لَعْلٌ» در قرآن مجید سه بار و به شکل لَعْلَكَ چهار بار و لَعْلَكُمْ شصت و هشت بار لَعْلَنَا یک بار و لَعْلَهُ سه بار و لَعْلَهُمْ بیست و چهار بار به کار رفته است (روحانی: همان) مفسران در مورد واژه لَعْلٌ در قرآن دو توضیح متفاوت ارائه داده اند:

الف- خرمشاهی در توضیحات و واژه نامه قرآن کریم ذیل آیه بیست و یک سوره بقره در توضیح واژه لَعْلَكُمْ آورده است: «ابن عباس در اینجا (لَعْلَكُمْ) را «لِکَی» معنی کرده است. قاضی عبدالجبار و شیخ طوسی و ابن شهر آشوب نیز همانند او برآند که «لَعْلٌ» با معنای شک و شاید و امیدی که در بردارد، بر خداوند دانای به همه چیز جایز نیست و در اینجا و موارد مشابه (لَعْلٌ) به معنای «لِکَی» به معنای - تا، برای آنکه - است» (خرمشاهی، ۱۳۷۴ش: ص ۷۸).

چنانچه ملاحظه می‌شود بیشتر مفسرین بر همین عقیده هستند و لذا مترجمین مختلف لَعْلٌ را به همین صورت ترجمه کرده‌اند. به چند ترجمه از مترجمین مطرح قرآن در رابطه با واژه لَعْلٌ توجه می‌کنیم:

« وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَيُذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعْلَكُمْ تَشْكُرُونَ » (روم/ ۴۶)

« و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که بادها را مژده دهنده می‌فرستد، و تا بخشی از [باران] رحمتش را به شما بچشاند، و تا کشتیها [به وسیله بادها] به فرمان او حرکت کنند، و نیز برای اینکه از رزق و روزی او بجوید، و باشد که شما سپاسگزاری کنید. (انصاریان، ۱۳۸۷ش: ص ۴۰۹)

«از نشانه‌های خدا این است که بادها را می‌فرستد تا نویدبخش باران باشد و بدین وسیله از رحمت خود به شما بچشاند و تا کشتی‌ها به فرمان او بر آبها روان شوند و شما در طلب رزق و بخشش الهی برآید. این نعمتها را به شما ارزانی داشته است باشد که سپاسگزار او باشید او را پرستش کنید.» (صفوی، ۱۳۸۶ش: ص ۴۰۹)



« و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به‌عنوان بشارت‌گرانی می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشانند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره‌گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (مکارم، ۱۳۸۵ش:ص ۴۰۹)

ب- شریعتمداری در ارتباط با واژه **لَعَلَّ** توضیح متفاوتی را ارائه داده است. ایشان در شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه ذیل آیه دویست سوره آل عمران آورده است:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَتَقْوَالَهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰)

«ای کسانی که ایمان آورده اید (بر ناگواریها و پرهیز از گناه و اطاعت از خدا) شکیبایی کنید و با اتکا به صبر و پایداری یکدیگر بر مقاومت خویش بیفزایید و در امور دین و دنیا با یکدیگر همبستگی داشته باشید، و از خدا پروا کنید باشد که نیکبخت شوید.»

گاهی سؤال می‌شود چرا در قرآن جمله‌هایی با کلمه **لَعَلَّ** شروع شده است، مانند جمله **لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** «شاید رستگار شوید» ..... در حالی که کلمه **لَعَلَّ** نوعی تردید را می‌رساند و از مقام خداوند دانای به همه چیز، دور است. این جمله اتفاقاً دستاویزی برای پاره‌ای از دشمنان اسلام شده است و می‌گویند اسلام به کسی وعده نجات قطعی نمی‌دهد و وعده آن آمیخته با تردید است، زیرا بسیاری از این وعده‌ها با کلمه **لَعَلَّ** شروع شده است. پاسخ آن این است که اتفاقاً این تعبیر یکی از نشانه‌های عظمت و واقع‌بینی و واقع‌گویی قرآن مجید است، زیرا قرآن این کلمه را در جایی به کار می‌برد که گرفتن نتیجه احتیاج به شرایطی دارد که به وسیله کلمه **لَعَلَّ** اشاره اجمالی به آن شرایط شده است، مثلاً سکوت کردن به هنگام شنیدن آیات قرآن و گوش فرا دادن به مضمون آیات به تنهایی کافی نیست که انسان مشمول رحمت الهی شود، بلکه علاوه بر آن درک و فهم آیات و به کار بستن آنها نیز لازم است و لذا قرآن می‌گوید: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» (اعراف / ۲۰۴) یعنی هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرا دهید و خاموش باشید، شاید مشمول رحمت الهی شوید. اگر قرآن می‌گفت حتماً مشمول رحمت خواهید شد دور از واقع‌بینی بود، زیرا همان‌طور که گفتیم این موضوع شرایط دیگری هم دارد ولی هنگامی که می‌گوید «شاید» سهم سایر شرایط محفوظ مانده است، ولی عدم توجه به این حقیقت موجب خرده‌گیری بر این آیات شده و حتی بعضی از دانشمندان ما نیز معتقد شده‌اند که **لَعَلَّ** در این گونه موارد معنی «شاید» نمی‌دهد در حالی که این سخن یک نوع خلاف نظر بدون دلیل است. در

آیه مورد بحث (آل عمران/ ۲۰۰) با این که اشاره به چهار ماده مهم از عالی ترین دستورهای اسلامی شده باز برای این که از بقیه برنامه های سازنده اسلامی غفلت نشود کلمه «لَعَلَّ» را به کار برده است. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۳۵-۲۳۶ و ج ۲۱، ص ۸/ شریعتمداری، ۱۳۷۷ش: ص ۱۸).

#### ۴-۲: شرط در عربی

یکی از موارد ردّ قطعیت در بیشتر زبانها ساختار شرطی می باشد. به طور عام در جملات شرطی محقق شدن امری به شرط تحقق امری دیگر صورت می پذیرد. شرط در لغت به پای بند شدن و متعهد شدن نسبت به انجام کار یا ادای امری به کار رفته است؛ در المعجم الوسیط آمده است: «الشرط ما یوضع ليقوم فی بیع و نحوه» (انیس و دیگران، ۱۳۶۷ش: ص ۴۷۸-۴۷۹) و ابن منظور در لسان العرب شرط را این گونه معرفی می کند: «الشرط، الزام الشیء و التزامه فی البیع و نحوه» (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ج ۷، ص ۳۲۹). به هر ترتیب به نظر می رسد شرط به معنای معلق کردن چیزی به چیز دیگر باشد به طوری که تحقق جزء اول بستگی به تحقق جزء دوم داشته باشد.

#### ۴-۲-۱: شرط در قرآن

در قرآن کریم برای بیان مقاصد مختلف در زمینه های متفاوت از ساختار شرطی استفاده شده است. در این قسمت ابتدا به طور خلاصه مفهوم و مضمون شرط را در عربی بررسی می کنیم. بر این اساس هر ساختار شرطی بر سه پایه بنیان نهاده شده است:

#### ۱- ادات ۲- شرط ۳- جزا

ادات از نظر نحویان شامل موارد زیر می باشند (فاضلی ۱۳۸۲ش: ص ۵۲)

لَمَّا	أَيَّ	إِنَّا	إِن
كَلَّمَا	لَوْلَا	لَوْ	مَنْ
كَيْفَ	إِذَا	أَنَّى	مَهْمَا
أَمَّا	لَوْمًا	حَيْثُمَا	مَا
إِذْمَا	أَيْنَ	إِنَّمَا	مَتَى

جدول شماره ۱

**نکته-** گاهی در برخی از موارد ادوات شرط مانند «إِنْ و إِذَا» از معنای شرطی خارج می‌شود:

**الف:** نحویان گفته‌اند «إِذَا» در دو مورد معنای شرط ندارد: ۱- وقتی که إِذَا ظرفِ خبرِ مبتدای بعد از خود باشد: «وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ» (شوری/۳۷) که در این آیه إِذَا معنای شرطی ندارد، زیرا اگر شرط می‌بود باید جمله اسمیه بعد از آن به عنوان جزا و فاء مقرون می‌شد.

۲- وقتی إِذَا مصدر به قسم باشد: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» (لیل/۱) زیرا اگر «إِذَا» شرط باشد، ماقبل آن باید در معنی جواب باشد، یعنی تقدیر آن باید چنین باشد: «إِذَا يَغْشَى اللَّيْلُ أَقْسَمْتُ» (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۰ش: ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۵).

**ب:** بعضی از نحویان می‌گویند «إِنْ» در جملاتی از قبیل «أَلْحَرِيصُ وَإِنْ كَثُرَ مَالُهُ بَخِيلٌ»، وسیله می‌باشد، و در ترکیب جمله (واو) حالیه است و تقریر آن چنین خواهد بود: «أَلْحَرِيصُ بَخِيلٌ وَ الْحَالُ أَنَّهُ كَثُرَ مَالُهُ» البته برخی دیگر می‌گویند «إِنْ» در این جمله شرطیه می‌باشد و جواب حذف شده است و واو عطف است و مابعد خود به جمله مقدر عطف می‌گیرد که تقدیر آن به این صورت می‌باشد: «أَلْحَرِيصُ إِنْ لَمْ يَكْثُرْ مَالُهُ وَ إِنْ كَثُرَ فَهُوَ بَخِيلٌ». (حسن، ۱۹۹۶م: ج ۴، ص ۷/فاضلی ۱۳۸۲ش: ص ۵۶)

#### ۳-۴: مشهورترین مفاهیم جمله‌های شرطی در قرآن

جملات شرطی به طور عام با معنای شک و تردید همراه هستند لیکن در قرآن کاربردهایی متفاوت از این ساختار شده است. این جمله‌ها به ویژه در زبان عربی با استفاده از ادوات شرط ساخته می‌شوند و از آنجا که به نظر می‌رسد زبان عربی از این باب بسیار غنی است، لذا هریک از این ادات در ارائه مفهومی خاص مؤثر است. در این قسمت به ذکر مشهورترین مفاهیم کاربردی ساختار شرطی در قرآن به طور خلاصه می‌پردازیم. این موارد با توجه به تفاسیر مفسرین شیعه و قرآن‌پژوهان جمع‌آوری شده است.

#### ۱-۳-۴: ساختار شرطی با مفهوم ارشاد

«فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ» (بقره/۳۸)

«پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایت را پیروی کنند بر ایشان بیمی

نیست.»

به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های مؤثر در ارشاد و راهنمایی استفاده از ساختار شرطی می‌باشد. به نحوی که شنونده با شنیدن این گونه جملات بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد، لذا کاربرد صورتهای شرطی در این خصوص روشن و آشکار هستند.

۴-۳-۲: ساختار شرطی برای بیان تهدید

« وَمَنْ يُدِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ » (بقره/۲۱۱). « و هر کس

نعمت‌خدا را پس از آنکه برای او آمد [به کفران] بدل کند خدا سخت کیفر است.»

یکی از رایج‌ترین کاربردهای ساختار شرطی در قرآن بیان تهدید و نوعی اتمام حجت می‌باشد. در این گونه جملات عاقبت امور به انسانها گوشزد می‌شود و به این ترتیب آنها را به تفکر بیشتر راجع به اعمالشان وا می‌دارد.

۴-۳-۳: شرط با هدف تشویق و ترغیب

« إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ. » (یس/۱۱) «بیم

دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده.»

تشویق و تحریض از دیگر کاربردهای جملات شرطی در قرآن کریم می‌باشد. آیات بسیار زیادی در قرآن با این ساختار آمده است تا مردم را به انجام اعمال خیر ترغیب کند. در این آیات عاقبت و سرانجام نیکوکاران به تصویر کشیده شده است تا انگیزه‌ای بالا را در جهت یاد خدا و ترس از او در تمام مراحل ایجاد کند. ترسی که عامل بازدارنده‌ای در هنگام ارتکاب گناه است و نیرویی در عکس جهت جذابیت گناه و وسوسه شیطان ایجاد می‌کند.

۴-۳-۴: ساختار شرطی و بیان احکام

« فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَدِيَّتُهُ مِنْ صِيَامٍ » (بقره/۱۹۶) «و هر کس از شما

بیمار باشد یا در سر ناراحتی‌ای داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر نترشد] به کفاره [آن باید] روزه‌ای بدارد.»

از جمله پرکاربردترین شیوه‌های بیان احکام استفاده از ساختار شرطی است. به این ترتیب هنگامی که حکمی صادر می‌شود، جزئیات و استثنائات آن با ساختار شرطی بیان می‌شود. مانند این

آیه که در آن مشخص شده است حاجیان در موسم حج اگر مریض باشند یا مشکلی در ناحیه سر داشته باشند چه وظیفه ای به‌جای تراشیدن سر دارند.

۴-۳-۵: کاربرد جملات شرطی برای بیان ماهیت و توصیف

« إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا » (آل عمران/۱۲۰) « اگر به شما

خوشی رسد آنان را بدحال می‌کند و اگر به شما گزند رسد بدان شاد می‌شوند»

به کارگیری این نوع جملات بیانگر تعریف و توصیف مورد مطروحه می‌باشد. به عبارت دیگر با کمک چنین ساختاری می‌توان با جزئیاتی بیشتر به بیان ماهیت و توصیف امور در مواجهه با عوامل مختلف و موقعیتهای گوناگون پرداخت. به طور مثال آیه بالا خبر از احساسات درونی دشمنان مسلمانان درباره آنها می‌دهد و بیان می‌دارد: کفار هنگامی که شما به مشکلی برخورد کنید چقدر خوشحال می‌شوند و اگر به شما خیری برسد تا چه اندازه ناراحت می‌شوند. به دیگر سخن با این ساختار به توصیف و بیان ماهیت درونی کفار پرداخته شده است و پرده از احساسات واقعی آنها برداشته شده است.

۴-۳-۶: ساختار شرطی در بیان قدرت الهی

« إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ قَدِيرًا » (نساء/۱۳۳) « ای مردم

اگر [خدا] بخواهد شما را [از میان] می‌برد و دیگران را [پدید] می‌آورد»

قرآن با کمک این ساختار به بیان قدرت مطلق خداوند می‌پردازد، که اگر خدا بخواهد به انجام هر کاری توانا است. به عنوان مثال در این آیه گفته شده است اگر خدا بخواهد می‌تواند تمام شما مردم را از بین ببرد و عده‌ای دیگر را جایگزین کند.

۴-۳-۷: شرط و امتنان

«در تمام موادی که «لولا» جنبه شرطی دارد تقریباً در مقام امتنان است: «لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ

سَبَقَ لِمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (انفال/ ۶۸) «... در همه موارد جزای شرط منتفی شده و این

انتفای جزا، نوعی منت بر بندگان به حساب آمده است» (فاضلی، همان: ص ۱۹۱).

## ۵- ساختار پرسشی در عربی

جملات استفهامی در عربی معمولاً دارای یکی از ادات استفهام می باشند. سیوطی ادوات استفهام را شامل «همزه، هل، ما، من، آی، کم، کیف، این، متی، و آیان» می داند (سیوطی، همان: ص ۲۵۱).

## ۵-۱: ساختار پرسشی در قرآن

طبق نظر سیوطی جملات پرسشی در قرآن، قریب به سی و دو مفهوم کاربردی دارند. که از جمله می توان به این موارد اشاره کرد: «انکار، توبیخ، تقریر و واداشتن به اعتراف، تعجب، عتاب و سرزنش، تهدید، استهزا، تنبه و توجه دادن، ...» (سیوطی، همان: ص ۲۵۲-۲۵۵). استفاده از ظرایف زبانی و عوامل زبانشناختی برای اثرگذاری بیشتر یکی از نکاتی است که همواره قرآن پژوهان را شگفت زده می نماید. استفهام بابی از تصریف قول و گوناگونی تعبیر در قرآن و نیز نشانه ای از اسرار عظیم اعجاز قرآن است. برخی از آنها هماهنگ با روش و سیاق صحیح عربی است لکن در بین سخنوران پیش از نزول قرآن وجود نداشته و به نظر من بیشتر صیغه های استفهام در قرآن پیش از آن به کار نمی رفته است. (ابوزهره، ۱۳۷۰ش: ص ۲۹۶)

از طرفی به نظر می رسد یکی از روشهای آموزشی بسیار اثرگذار و البته غیر مستقیم برانگیختن ذهن مخاطب با پرسیدن سؤالات به جا و به موقع باشد. این مسأله حتی در میان سخنوران قدر و نویسندگان با تجربه بسیار رایج می نماید. پرسیدن سؤال، به طور ناخودآگاه ذهن را فعال نگه می دارد و باعث تمرکز بیشتر بر روی موضوع می شود. در این قسمت آیه پنجاه سوره نور را به عنوان نمونه بررسی می کنیم:

« أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أَوْلَيْكَ هُمُ الظَّالِمُونَ »

(نور/۵۰)

« آیا در دلهایشان بیماری [نفاق] است یا [در دین خدا] شک کرده اند یا می ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ستم کند؟ [چنین نیست] بلکه اینان خود ستمکارند. » (انصاریان، همان: ص ۳۵۶)

برای بهتر روشن شدن موضوع به تفسیر این آیه نگاهی می اندازیم:

« در آخرین آیه مورد بحث ریشه های اصلی و انگیزه های عدم تسلیم در برابر دآوری پیامبر (ص) را در سه جمله بیان می کند و می گوید: «آیا در دلهای آنها بیماری است» (بیماری نفاق) (فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ°).

این یکی از صفات منافقان است که اظهار ایمان می‌کنند اما به‌خاطر انحرافی که در دل از اصل توحید دارند هرگز تسلیم داوری خدا و پیامبر (ص) نیستند. اگر بیماری نفاق بر دل‌های آنها چیره نشده «به راستی در شک و تردید هستند»؟ (أمِ ارْتَابُوا). و طبیعی است شخصی که در پذیرش یک آیین مردد است تسلیم لوازم آن نخواهد بود. یا اینکه اگر نه آن است و نه این و از مؤمنان هستند «آیا به‌راستی می‌ترسیدند که خدا و رسولش بر آنها ظلم و ستم کند»؟! (أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ). در حالی که این تناقض آشکاری است کسی که پیامبر اسلام (ص) را فرستاده خدا و بیانگر رسالت او می‌داند و حکمش را حکم خدا می‌شمرد ممکن نیست احتمال ظلم و ستم درباره او دهد، مگر امکان دارد خدا به کسی ستم کند؟ مگر ظلم زائیده جهل یا نیاز یا خود خواهی نیست؟ ساحت مقدس خداوند از همه اینها پاک است.

« بلکه در واقع خود اینها ظالم و ستمگر هستند » « بَلْ أَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ».

آنها نمی‌خواهند به حق خودشان قانع باشند، و چون می‌دانند پیامبر اسلام (ص) چیزی از حق دیگران به آنها نخواهد داد تسلیم داوری او نمی‌شوند. به گفته نویسنده تفسیر « فی ظلال »: این سه تعبیر در واقع هر کدام در شکلی خاص عرضه شده است: اولی برای اثبات است، دومی برای تعجب، و سومی برای انکار. در جمله اول می‌خواهد علت حقیقی را که بیماری نفاق است روشن کند، و در جمله دوم، هدف بیان تعجب از تردید آنها در عدالت پیامبر (ص) است و صحت داوری او با این که مدعی ایمان هستند، و جمله سوم اشاره به تناقض روشنی است که میان ادعای ایمان و عملشان دیده می‌شود. تنها ایرادی که به گفته این مفسر در این سخن متوجه می‌شود این است که او جمله « أمِ ارْتَابُوا » را به معنی شک در عدالت و صحت داوری پیامبر (ص) گرفته، در حالی که ظاهر این است که شک در اصل نبوت را می‌گوید همان‌گونه که بسیاری از مفسران پذیرفته اند.» (مکارم شیرازی، همان: ج ۱۴، ص ۵۱۷)

با مراجعه به تفاسیر مشاهده می‌شود مراد از آوردن ساختار پرسشی در این آیه به جهت کسب اطلاع و یا ابراز فقدان اطلاعات کافی نمی‌باشد، بلکه هدف روشن‌گری و به نوعی معرفی منافقین و بیان دلایل اعراض آنها از حکمیت حضرت رسول (ص) است.

### ۶- ساخت مجهول در عربی

در تعریف مجهول ذکر شده است، هرگاه فاعل ناشناخته باشد و یا در مقایسه با مفعول از اهمیت کمتری برخوردار باشد از وجه مجهول استفاده می‌شود. از جهتی از دیدگاه هایلند نویسندگان با استفاده از این وجه به خنثی شدن نظرات انتقادی کمک می‌کنند. به عنوان مثال در مقالات دانشگاهی به جای عبارت «در این پژوهش نشان دادم» با این عبارت مواجه می‌شویم: «در این پژوهش نشان داده شد». به این ترتیب به نظر می‌رسد از مسئولیت نویسنده تا حد زیادی کاسته می‌شود. در زبان عربی برای مجهول کردن فعل مضارع باید عین الفعل را مفتوح کرد و حرف مضارعه را مضموم کرد؛ در فعل ماضی نیز عین الفعل را مکسور و حروف قبل را مضموم می‌نماییم. مانند: فُتِحَ و يُكْتَبُ.

### ۶-۱: ساخت مجهول در قرآن

در آیات قرآنی به نظر می‌رسد کاربرد این وجه بیشتر به جهت جلب توجه مخاطب نسبت به نفس عمل می‌باشد تا نسبت به فاعل، و از این جهت، کاربردی مبنی بر رعایت جوانب احتیاط از گوینده مشاهده نمی‌شود. و حتی در مواقعی برای تأکید بر روی حکم داده شده از افعال مجهول استفاده شده است به عنوان مثال در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره/ ۱۸۳) به نظر می‌رسد فعل مجهول به قطعیت این حکم کمک کرده باشد و جای هر گونه شک و تسامحی را راجع به فرض روزه می‌بندد.

### ۶-۲: بررسی افعال مجهول در قرآن

افعال مجهول در قرآن از لحاظ کاربردی در چند جهت قابل بررسی هستند:

**الف-** کاربرد وجه مجهول با مفهوم وصفی، همانند آنچه در آیه سی و چهار سوره احزاب می

بینیم:

«وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» (احزاب/ ۳۴)

«[ای همسران پیامبر!] و آنچه را از آیات خدا و حکمت در خانه های شما می خوانند به یاد

داشته باشید؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است.» (انصاریان، همان: ص ۴۲۲)



در این موارد به نظر می‌رسد هدف از آوردن وجه مجهول، توصیف مفعول میباشد. مثال دیگری را در سوره جاثیه می‌بینیم:

«يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنَلَّىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (جاثیه/۸)  
 «که آیات خدا را در حالی که بر او می‌خوانند می‌شنود، آن گاه از روی سرکشی و تکبر چنان که گویی آن را نشنیده است [بر کفر، عناد، دشمنی و مخالفتش] پافشاری می‌کند؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده.» (همان:ص ۴۹۹)

ب- توضیح دیگر این است که گاهی فاعل برای یک فعل خاص تکرار شده است و چنان بدیهی است که دیگر در آن جایگاه خاص، نیازی به بیان آن نبوده است. همانند آیه چهل و هشت سوره طه:

«إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ» (طه/۴۸)  
 «به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید.» (مکارم، همان: ص ۳۱۴)

به نظر روشن می‌نماید که در این آیه، فاعل فعل (أُوْحِيَ) که به صورت مجهول آمده است، خداوند می‌باشد. این اطمینان به جهت وجود قرائن لفظی در آیات قبل و قرائن معنوی، می‌باشد.

پ- در مواردی متعدد کاربرد وجه مجهول به جهت جلب توجه مخاطب به مفعول می‌باشد که با حذف فاعل و کاسته شدن یکی از عوامل اصلی جمله صورت می‌پذیرد، و باعث تمرکز بیشتر بر روی عامل مورد نظر می‌شود. مانند آیه پانزده سوره طه:

«إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه/۱۵)  
 «بی تردید قیامت که می‌خواهم زمان وقوعش را پنهان بدارم، آمدنی است، تا هر کس را برابر تلاش و کوششی که می‌کند، پاداش دهند.» (انصاریان، همان: ص ۳۱۳)

آنچه در این آیه بیشتر جلوه می‌کند جزای عمل است که قطعاً و بدون هیچ تردیدی صورت می‌پذیرد. نمونه دیگری را با همین کاربرد در سوره جاثیه می‌بینیم:

«وَقِيلَ الْيَوْمَ نَسْنَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» (جاثیه/۳۴)  
 «و [به آنان] گویند: امروز شما را از یاد می‌بریم، همان گونه که شما [در دنیا] دیدار امروزتان را از یاد بردید، و جایگاهتان آتش است و شما را یار و یآوری نخواهد بود.» (همان: ص ۵۰۲)

« و به آنها گفته می‌شود: امروز شما را فراموش می‌کنیم همان‌گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید؛ و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یابری ندارید.» (مکارم، همان: ص ۵۰۲)

در این آیه فعل مجهول «قیل» توجه مخاطب را به آنچه گفته شده است جلب می‌کند. آنچه در اینجا اهمیت دارد سخنی است که بیان می‌شود و نه گوینده آن.

ت- در پاره‌ای از موارد نیز پس از جلب توجه، فاعل پس از فعل در انتهای آیه و یا در آیه بعد می‌آید:

« فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى » (طه/ ۱۱)

« پس چون به آن آتش رسید، ندا داده شد: ای موسی! » (انصاریان، همان: ص ۳۱۲)

در این آیه ابتدا فعل مجهول آمده است ولی در آیه بعد فاعل با قطعیت کامل معرفی می‌شود:

« إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى » (طه/ ۱۲)

«به یقین این منم پروردگار تو، پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی.» (همان: ص ۳۱۲)

مشاهده می‌شود که فاعل فعل مجهول در آیه قبل (نُودِيَ) در این آیه بیان شده است. شاید هدف از آوردن فعل به صورت مجهول در آیه قبل به این دلیل بوده است تا به خواننده اعلام شود در اولین لحظات وحی، خود حضرت موسی نیز نمی‌دانسته که این ندا از طرف چه کسی است و به این ترتیب این آیه تداعی‌کننده بهتر حالات روحی حضرت موسی می‌باشد.

ث- یکی دیگر از موارد کاربردی افعال مجهول در بافت‌هایی دیده می‌شود که گوینده در چنان مقامی قرار دارد که سخنش عین انجام عمل می‌باشد؛ و جزء کنش گفتارهای اعلامی (declarative) قرار می‌گیرد. عبارت معروفی در قرآن در چندین آیه تکرار شده است که نشان دهنده این کنش گفتار می‌باشد: بخشی از آیه هشتاد و دو سوره یس:

«...يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ..» در تفسیر این آیه آمده است:

«کلام در آیه مورد بحث، کلامی است تمثیلی، می‌خواهد بفرماید: افاضه وجود، از ناحیه خدا به هر چیزی که موجود می‌شود، به جز ذات متعالی خدا به هیچ چیز دیگر احتیاج ندارد، و چون ذات خداوندی اراده کند هستی آن را، بدون تخلف و درنگ موجود می‌شود.» (طباطبایی ۱۳۶۳ش:

ج ۱۷، ص ۱۷۱)

از این جمله آیه سی و شش سوره طه است که مصداق این فراز می‌باشد و به این منظور از فعل مجهول استفاده شده است:

« قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى » (طه/۳۶)

« خدا فرمود: ای موسی! به یقین خواسته‌ات به تو عطا شد. » (انصاریان، همان: ص ۵۱۲)  
در آیات قبل حضرت موسی خواسته‌هایش را مطرح کرده بود و این آیه با کاربرد فعل مجهول اجابت آنی تمام دعاهایش را نشان می‌دهد.

ج- کاربردی دیگر که با استفاده از افعال مجهول مشاهده می‌شود، اعلام عدم اختیار انسانها در مواقع خاص می‌شود، که با این وسیله ضعف انسان را در برابر اراده الهی نشان می‌دهد.

« مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ » (جاثیه/۱۵)

« هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، به سود خود اوست و هر کس مرتکب بدی شود به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید. » (همان: ص ۵۰۰)

به نظر می‌رسد فعل «تُرْجَعُونَ» نوعی عدم اختیار را به سمع شنونده می‌رساند و نشان می‌دهد مخاطب در بازگشت خود هیچ گونه اختیاری ندارد و چه بخواهد و چه نخواهد باز گردانده خواهد شد. چنین مشاهده می‌شود که این وسیله هشدار به همه انسانها باشد با این مضمون که: زمان داشتن اختیار شما محدود به این دنیا است که بسیار کوتاه نیز می‌باشد. پس از این فرصت نهایت استفاده را ببرید. نکته قابل توجه این است که ممکن است هر یک از این افعال بیش از یک کاربرد از موارد گفته شده را داشته باشند. در عین حال به نظر می‌رسد هیچ یک از موارد ذکر شده هدفی در جهت کم رنگ کردن مسؤلیت گوینده نداشته است، که حتی در مواردی به قطعیت و تأکید بیشتر کمک کرده است.

#### ۷- ارجاع

چنانچه گذشت، ارجاع از دیدگاه هایلند که مبنی بر عبارات و نشانه‌های احتیاط باشد، شامل ارجاع به متن و یا ذکر نقل قول از شخصی دیگر می‌شود. به عنوان مثال یک جمله و یا موضوعی را به شخص یا اثر فرد دیگری غیر از خود گوینده یا نویسنده ارجاع بدهند. چنانچه در گفتار روزمره نیز ممکن است گاهی اتفاق بیافتد: (احمد گفت: فردا مدارس تعطیل هستند.) و یا در همین پژوهش بارها به گفته‌های هایلند استناد شده است. به این ترتیب مسؤلیت صحت خبر و گزاره به

عهدۀ گوینده و نویسنده نمی باشد. از این منظر در آیات مورد بررسی فقط نقل قولهایی برحسب روایی بودن سوره‌ها به چشم می خورد. و با این وصف هیچ یک از اصول دین یا حتی فروع آن به نقل از افراد و یا هیچ منبع دیگری وجود ندارد که به حرف یا قول ایشان استنادی صورت بگیرد، بلکه تنها در حین تعریف حکایات پیشینیان و اتفاقات معاصر پیامبر به ذکر مکالمات آنها پرداخته شده است.

#### ۷-۱: ارجاعات در قرآن

به نظر می رسد بیشتر نقل قولهایی که در قرآن آمده است نه تنها به ایجاد شک و تردید کمکی نمی کند بلکه خبر از غیب است و شاید به نوعی معجزه محسوب بشود. همانند نقل قولهایی که در سوره‌های مختلف قرآن به مکالمات کافران و مؤمنان در روز قیامت می پردازد. ملاحظه می شود چنین ارجاعاتی نه تنها در راستای عمل به احتیاط سیر نمی کند، بلکه در خلاف این مسیر به تحکیم و تأکید می پردازد. (به عنوان مثال با آوردن مکالمات مشرکان و مؤمنان در قیامت صحنه‌های آن روز را با جزئیات به تصویر کشیده است که به باورپذیری آن کمک شده است).

### نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله تفاوت کاربردی نشانه‌های احتیاط میان آیات مکی و مدنی بود. به این منظور به بررسی این عوامل در آیات مکی و مدنی پرداخته شد.

بررسیهای صورت گرفته به روی نشانه‌های احتیاط در سوره‌های مورد بررسی نتایج زیر را دربر

داشت:

سوره احزاب:

تعداد	نشانه احتیاط
۱	عبارات واژگانی
۲۰	ساختار شرطی
۵	افعال مجهول
۱	صورت پرسشی

جدول شماره ۲

سوره نور:

تعداد	نشانه احتیاط
۷	عبارات واژگانی
۲۲	ساختار شرطی
۶	افعال مجهول
۴	صورت پرسشی

جدول شماره ۳

سوره نحل:

تعداد	نشانه احتیاط
۱۶	عبارات واژگانی
۳۲	ساختار شرطی
۱۲	افعال مجهول
۱۵	صورت پرسشی

جدول شماره ۴

## سورة مائده:

تعداد	نشانه احتیاط
۵	عبارات واژگانی
۷۲	ساختار شرطی
۲۳	افعال مجهول
۱۴	صورت پرسشی

جدول شماره ۵

## سورة رعد:

تعداد	نشانه احتیاط
۱	عبارات واژگانی
۱۹	ساختار شرطی
۷	افعال مجهول
۹	صورت پرسشی

جدول شماره ۶

ارجاعات به کار رفته در این سوره‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت که به طور کلی نتایج زیر را در بر دارد.

با نگاهی دقیق تر بر روی کاربرد نشانه‌های احتیاط مورد مطالعه در این سوره‌ها روشن می‌شود هیچ یک از این موارد زبانی در جهت تضعیف اطمینان درباره موضوعات اصلی دین از جمله توحید، معاد، نبوت، قیامت، بهشت، جهنم، و جز آن نیامده است و گزاره‌های مطرح شده به همراه این عبارات و نشانه‌ها یا همگی نقل قول هستند و از زبان خود خداوند نیستند (مانند سخنان مشرکین و بیان تردید آنها درباره حیات دوباره) و یا در رابطه با موضوعی غیر از موارد ذکر شده در باب اصول دین بیان شده‌اند که حتی در چنین حالتی تعبیری مبنی بر کاهش اطمینان از کاربرد آنها استنباط نمی‌شود. بنابراین چنین به نظر می‌رسد کاربرد نشانه‌های احتیاط در قرآن با اهداف تعریف شده در متون علمی طبق نظرات هایلند همسو نباشد. این پژوهش به همراه مقایسه نتایج یاد شده با عبارات تأکیدی در متن قرآن به اوج خود خواهد رسید.

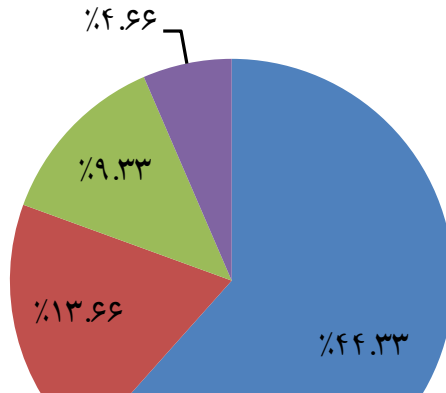
اما این نتایج را می‌توان با توجه به مکی و یا مدنی بودن آیات نیز مورد بررسی قرار داد. بر این اساس ابتدا به ماهیت سوره‌های مکی و مدنی توجه می‌کنیم:

فرض این تحقیق بر این بود که در سوره‌های مکی از نشانه‌های احتیاط کمتری استفاده شده است. بر خلاف سوره‌های مدنی که پس از هجرت رسول خدا به مدینه و در پی بنیان‌گذاری حکومت اسلامی نازل شده‌اند و شامل بیان احکام و جزئیات قوانین می‌باشند. بنابراین منطقی است که ساختارهای شرطی بیشتر استفاده شده باشد. بر این اساس به مقایسه کمی نشانه‌های احتیاط در این هفت سوره بر حسب مکی یا مدنی بودن سوره‌ها پرداخته شد.

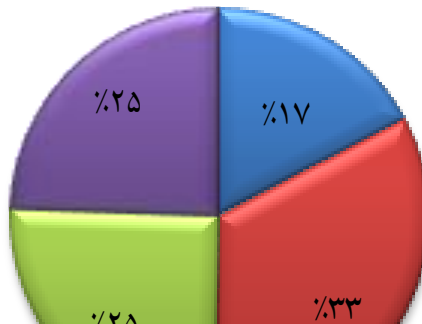
بر این اساس نتایج حاصل را بار دیگر از نظر می‌گذرانیم:

از مجموع ششصد آیه‌ای که مورد بررسی قرار گرفت، سیصد آیه مدنی و سیصد آیه مکی می‌باشد. در کل سیصد آیه مدنی ۴۴,۳۳٪ از ساختار شرطی استفاده شده است، که این درصد در مقایسه با سیصد آیه مکی به ۱۵,۳۳٪ تنزل پیدا می‌کند و این با آنچه که از قبل در انتظار آن بودیم مطابقت می‌کند. بنابر این مشخص می‌شود در سوره‌های مدنی به دلیل بیان احکام از ساختارهای شرطی بیشتر استفاده شده است.

نشانه‌های احتیاط مشاهده شده در این سوره‌ها به ترتیب مکی و مدنی بودن سوره‌ها به صورت زیر می‌باشند: نشانه‌های احتیاط در مجموع سیصد آیه مدنی، دویست و شانزده مورد می‌باشد که ۷۲٪ کل آیات مدنی را شامل می‌شود. آیات مکی بررسی شده نیز در مجموع شامل سیصد آیه می‌شود که در میان آنها صد و سی و نه نشانه احتیاط مشاهده شد که شامل ۴۶,۳۳٪ کل آیات مکی می‌شود. با توجه به خصوصیات گفته شده در مورد سوره‌های مکی و مدنی این اختلاف درصد قابل پیش‌بینی بود. بنابراین ملاحظه می‌شود نشانه‌های احتیاط در قرآن و یا لاقلاً در سوره‌های مورد مطالعه وجود دارند، ولی کاربردشان با کاربردهای ذکر شده توسط هایلند مطابقت ندارد. نشانه‌های احتیاط در سوره‌های مدنی به دلیل بیان احکام بیشتر استفاده شده است.



نمودار شماره ۱: استفاده از نشانه‌های احتیاط در آیات مدنی



نمودار شماره ۲: استفاده از نشانه‌های احتیاط در آیات مکی

نمودار شماره ۱ روشن می‌نماید که بیشترین ابزار به کار رفته در آیات مدنی ساختار شرطی می‌باشد که با توجه به آنچه گفته شد مبنی بر بیان آیات احکام اسلامی و لزوم بیان جزئیات در این احکام بدیهی می‌نماید، زیرا بدون استفاده از این ابزار چگونگی اجرای احکام در موقعیتهای مختلف با اشکال مواجه می‌شود. کمترین نشانه احتیاط نیز عبارات واژگانی می‌باشند که همانطور که ذکر شد در مقام توصیف انسانها قید شده‌اند.

نمودار شماره ۲ بر اساس میزان استفاده از نشانه‌های احتیاط در آیات مکی تنظیم شده است. ملاحظه می‌شود که تفاوت کاربرد انواع نشانه‌های احتیاط در این سوره‌ها اختلاف شایان توجهی نداشته است و تقریباً به یک اندازه از آنها استفاده شده است.





پی‌نوشتها:

1. Lakoff,G.

2. Myers,G.

3. Holmes,J.

4. Skelton,J.

5. Markkanen, R. and Schroder.

6. Varttala,T.

7. K.Hyland.

8. Grice,H.

9. Silva & kei Matsuda.

۱۰. کنش گفتاری که اوضاع واحوال پیرامون را تغییر می‌دهد. مثال: وقتی کشیش می‌گوید: «من شما را زن

و شوهر اعلام می‌کنم» عمل عقد انجام می‌شود. (چگینی، ۲۰۰۵م: ص ۵۱۱)

منابع و مآخذ

فارسی

۱. قرآن کریم.

۲. ابراهیم انیس و دیگران، (۱۳۶۷ش)، *المعجم الوسیط*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران.

۳. ابن منظور، جمال الدین ابولفضل، (۱۹۹۶م)، *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.

۴. ابن هشام، جمال الدین، (۱۳۶۶ش)، *معنی اللیب عن کتب الاعاریب*، انتشارات سیدالشهدا، قم.

۵. ابوزهره، محمد، (۱۳۷۹ش)، ترجمه محمود ذبیحی، *معجزه بزرگ: پژوهش در علوم قرآنی*، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.

۶. انصاریان، حسین، (۱۳۸۷ش)، *ترجمه قرآن کریم*، آیین دانش، قم.

۷. جلیلی فر، علی رضا، (۱۳۸۶ش)، «بررسی عبارات احتیاط آمیز در علوم انسانی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال ۲۶، شماره ۴، ص ۲۳-۴۷، دانشگاه شیراز، شیراز.

۸. جلیلی فر، علی رضا و علوی، مریم، (۲۰۱۱م)، «قدرت سیاسی در کارکرد زبان: بررسی استفاده از عبارات احتیاط آمیز در مصاحبه‌های سیاسی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال ۶۶، شماره ۳، ص ۴۳-۶۵، دانشگاه شیراز، شیراز.

۹. چگینی، ابراهیم، (۱۳۸۴ش)، *فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان شناسی کاربردی بر اساس* LONGMAN Dictionary of Language, Teaching and Applied Linguistics,

2005، انتشارات رهنما، تهران.

۱۰. حاجی زاده، مهین، (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ زبانشناسی و علوم وابسته به عربی و فارسی* \_ انگلیسی، نشر هفتان، تهران.

۱۱. حسن، عباس، (۱۹۶۶م)، *النحو الوافی*، دارالمعارف، چاپ سوم، قاهره.

۱۲. خرم دل، مصطفی، (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، نشر احسان، تهران.

۱۳. خرمشاهی، بهالدین، (۱۳۷۴ش)، *قرآن کریم ترجمه؛ توضیح و واژه نامه*، انتشارات نیلوفر، انتشارات جامی، تهران.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷ش)، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، دوستان، ناهید، تهران.
۱۵. رادمنش، سید محمد، (۱۳۸۳ش)، *نحو برای دانشجوی*، چاپ سوم، به نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۶. رحیمیان، جلال، (۱۳۸۸ش)، «*جنبه‌های صوری و معنایی عناصر معین فارسی در جمله‌های وابسته*»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، پاییز و زمستان، سال اول، شماره ۱، ص ۷۵-۹۱، مشهد.
۱۷. روحانی، محمود (۱۳۶۸ش) *المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم*، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۸. شریعتمداری، جعفر، (۱۳۷۷ش)، *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۹. صفوی، سید محمدحسین، (۱۳۸۶ش)، *ترجمه قرآن بر اساس تفسیر المیزان*، دفتر نشر معارف، قم.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر المیزان*، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران.
۲۱. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲ش)، *پژوهشی در برخی از شیوه‌های بیان قرآن کریم*، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵ش)، *ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر نمونه*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، دارالکتاب الاسلامیه، تهران.
۲۴. هاشمی خراسانی، حجت، (۱۳۷۰ش)، *مهدی الاریب شرح باب اول المعنی*، نشر حاذق، قم.

## لاتین

1. Grice, H. (1975), *logic and conversation*, In Cole, P., Morgan, J. (eds), syntax and semantics 3: speech acts. New York, NY: Academic, 41- 58
2. Halliday, M. (1970), “*Functional diversity in language as seen from consideration of modality and mood in English*”, *Foundations of Language*, 6, 322-361
3. Huebner, A. (1983), **Pragmatics and beyond: IV, 6. Understatements and hedges in English**. Amsterdam: John Benjamins.
4. Hyland, k. (1994), “*Hedging in Academic Writing and EAP Textbooks*”, *English for Specific Purposes*, 13, No 3, PP 239-256.
5. \_\_\_\_\_, (1996), “*Nurturing Hedges In The ESP Curriculum*”, *System*, 24 No.4. 1996 PP 477- 490
6. \_\_\_\_\_, (1998), “*Boosting, Hedging and the negotiation of academic knowledge*”, *TEXT* 18(3), PP 349-382
7. \_\_\_\_\_, (2000) “*Hedges, Boosters lexical invisibility: noticing, modifiers in academic text*”. *Language Awareness* 9(4): pp179-197
8. \_\_\_\_\_, (2006), “*medical discourse: Hedges*”, <http:// Elsevier. Ltd>.
9. Lakoff, G. (1972), *hedges: “A studding meaning criteria and the logic of fuzzy concepts”*. Chicago Linguistic Society Papers, 8, pp 183- 228
10. Myers, G. (1989).” *The pragmatics of politeness in scientific articles*”. *Applied linguistics*, 10(1).
11. Silva, T & Kei Matsuda, P. (2002), “*writing” in: An Introduction to Applied Linguistics*, edited by Schmitt, Arnold, New York
12. Yule, G. (1996) *Pragmatics*, Oxford: University Press

